



نگارخانه اثر

Assar Art Gallery

تهران• خیابان ایرانشهر

کوی برفروشان• پلاک سیزده

۱۵۸۳۶ کد پستی

۸۸۳۲۶۶۸۹ تلفن و فکس:

No. 13, Barforoushan, Iranshahr St.

Tehran 15836, Iran

Tel/Fax: (+9821) 88 32 66 89

www.assarartgallery.com

info@assarartgallery.com

اندیشه‌اش در پیوند با قلمروی دیگر. هر دو به یک فیگور تعلق دارند، اما در تضاد با یکدیگر بدل می‌برند. عظیمیان می‌خواهد در مقام چهرباز تعادلی از این تنافض و عدم تعادل به دست دهد، اما هرگز تعادل ظاهري را فدای تعادل دیالكتیکال نمی‌کند.

نقاشی‌های فیگوراتیو عظیمیان اما، در واقع تصویرگری فضای میان مضمون و نقاش است و تمثیلگر رادر همین فضانگه می‌دارد تا برده نقاشی را مانند یک متن بخواند. تأویشته‌های میان خطوط آن راه بین، ناملموس‌ها را حسنه کند و زمنه‌بی برای بیان ناگفته‌ها فراهم اورد. برای همین هم هست که در برخی از کارهایش واقعیت را به شکلی استعاری نمایش می‌دهد و می‌باید به شکلی استعاری هم خوانده شود. فیگورهای او ایماز غریب‌بودن انسان در مکان و زمانی به ظاهر آشنا را به ذهن متیار می‌کنند و پیشتر به ارواح گمشده در مدرن شباخت دارند؛ ارواحی از ممکن‌گونه که دانته توصیف می‌کرد و دلکردا به تصویر می‌کشید. هرقدر هم که فیگورها را کبار هم و در یک فضای واحد قرار دهد باز تنهایی آنها چهره‌یی آشکار دارد و انتکار ناشدنی به نظر می‌آید. با این همه به سبب فضای غنی و پریار تصویر، به نظر می‌رسد که هر فیگور با حضور تمثیلی خود در مکانی والاتر از هستی و موقعیت واقعی خود قرار گرفته است. در برخی از نقاشی‌های فیگوراتیو عظیمیان حال و هوایی ترازیک دیده می‌شود، اما می‌کوشد تا کارهای این ترازی دارا و فارغ‌فکرهاش صیقل دهد. این کار، خود سبب پیدایش نویعی حساسیت ترازیک می‌شود و در باره‌یی موارد ساختار و چشم‌انداز درونی نقاشی‌اش را دستخوش گسیختگی‌های ترازیک می‌کند؛ به همین علت هم هست که گاه خواسته و دانسته کنترل فرم و پیوستار فضایی آن را به دست تصادف می‌سپارد.

رضا عظیمیان نقاش جوان و خوش قریحه‌یی است که راه کوتاه اما دشواری را در قلمرو هنرهای تجسمی پیموده و آن قدر تجربه اندوخته است که بتوان کارهایش را زندگینامه هنری او شمرد. او از قبیله نقاشان جوانی است که هنر نقاشی را جدی گرفته‌اند، می‌جوهند به هستی و حصور خود معنای انسانی بدھند، اما آن طور که سزاوار بوده‌اند از طرف مولیان خود گماشته هنر جدی گرفته نشده‌اند. این جوانان با احترامی که برای سنت نقاشی و ایزار بیان تجسمی خود فایلند و با نوعی قناعت‌نایدپری که از هنر خود دارند، هنری پخته و بلوغ پایته پدید آورده‌اند، ای هراس از نقد و نیش این و آن کار می‌کنند و با سخت کوشی هنرشن را به چیگاهی برکشانده‌اند که به رغم تنگی‌ها و دشواری‌ها خواه‌نخواه به جا اورده خواهد شد.

در اغلب کارهای عظیمیان یک نظام رنگی مستدل که نشانه اشراف هنرمند بر ایزار بیان تجسمی است به چشم می‌خورد و با تکنیک و مهارتی که به هم آورده به شکلی متباشه‌انه نقاشی می‌کند. او بدرستی دریافتی است که تکنیک ادامه‌آگاهی است و اگر سازگار با مضمون به کار گرفته شود، نقاشی باری رسان خواهد داشت و به ادراک بهتر نقاشی کمک خواهد کرد. عظیمیان با اعتماد به درستی دریافت خویش این واقعیت را هم پذیرفته است که اگر تکنیک و اندیشه با هم درآمیزند و از یکدیگر حمایت کنند، به اثر هنری صدایی بخشنده، به آن بردا جهانی می‌کنند و نمی‌گذارند در یک منطقه غرافیابی و قوم و قبیله خاص رزمین گیر شود.

چهره‌ها و فیگورهایی که عظیمیان نقاشی می‌کند از یک طرف بیانگر میزان اعتلا و آگاهی‌هایی است که روح انسان می‌تواند به آن دست باید و از طرف دیگر نمایشگر ژرفای اندیشه‌یی است که ممکن است در آن غرقه شود. پرتره‌هایش پیشتر به خاطره انسان‌هایی شباهت دارد که زمانی دراز در ذهن او زندگی کرده‌اند و اکنون بی‌آن که خود بخواهند یا بدانند به زندگی ادامه می‌دهند. عظیمیان می‌خواهد در کار خود کفیت‌هایی فراتر از شناسه به مضمون را هم نمایش دهد و از این رو تجربه که تمثیلگری از دیدن چهره‌های او به دست می‌آورد، هم درونی است و هم بیرونی. اما بخش بیرونی رام نشدنی است و گوایی به طبعیت نام‌کاری نشده تعطیل دارد؛ جیزی همانند نظره کردن نیروهای اشونده طبیعت که زیبایی‌های سرکش آن به طور همزمان هم اغوا کننده است و هم نگران کننده. تمثیلگر در این چهره‌ها همان رامی بیند که دلبهه‌ها، امیدها و تجربه‌هایی دیدن و دریافتن آن‌ها را به او آموخته است. در چهره‌هایش با همه جوانی مضمون، لایه‌های زمان و گذر عمر به چشم می‌خورد و بد سبب نحوه اجرا چنین می‌نماید که از روزگاران و نسل‌هایی گذشته به ما نگاه می‌کند، اما حضور فیزیکی و ملموس و شکل نقاشی که امروزی است هستی آن‌ها را توجیه می‌کند. در کارهایی عظیمیان انسان حضور اشکار و پررنگ تری از واقعیت دارد؛ قطعیت هستی‌اش حتی از زمانی که او از زندگی روزمره می‌بینیم پیشتر است، چراکه از طریق نقاش از حقیقت درونی و هستی خود اکاهی یافته است. در این نقاشی‌ها انسان یک چیستان دیالکتیکال است و شکل گیر گورا دارد. نقاشی می‌کوشد تارماز و از جیستان را گشاید و اگر موفق نشود، آن قادر باشد که در کارش اشارتی به ناگشودنی بودن این گره دیده شود. یکی از علل ناگشودنی بودن گره کور چهره‌ها، هویت دوگانه‌یی است

All rights reserved

No part of this publication maybe copied or transmitted in any form or by any means without the prior written permission of Assar Art Gallery.

Printed in 1500 copies in 2008

Art Director & Graphic Designer: Iman Safaei

Slides: Majeed Panaheejoo - www.majidpanahi.com

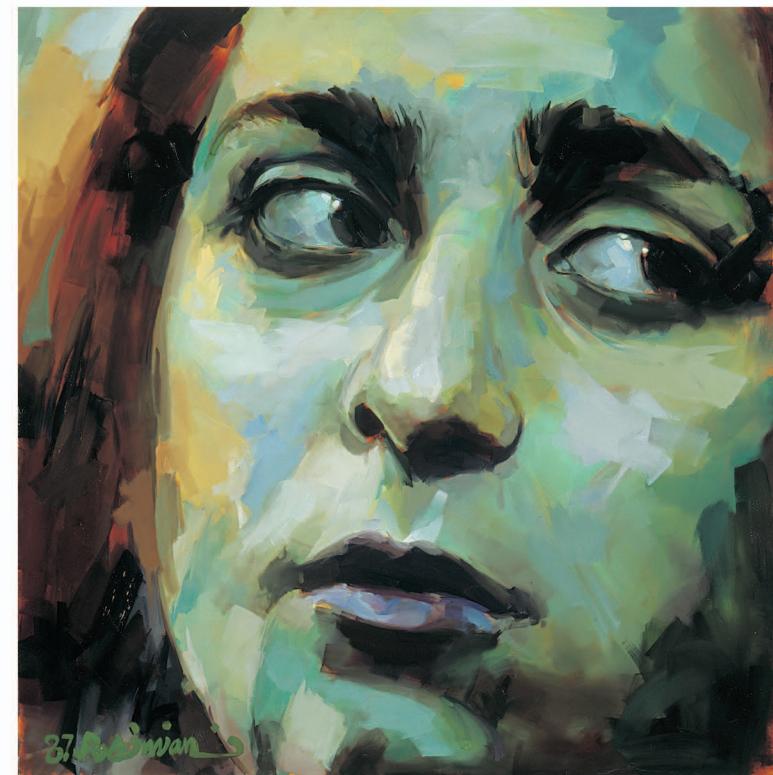
Text: Ali Asghar Ghareh Baghi - June, 2008



80x80 cm/Oil on Canvas



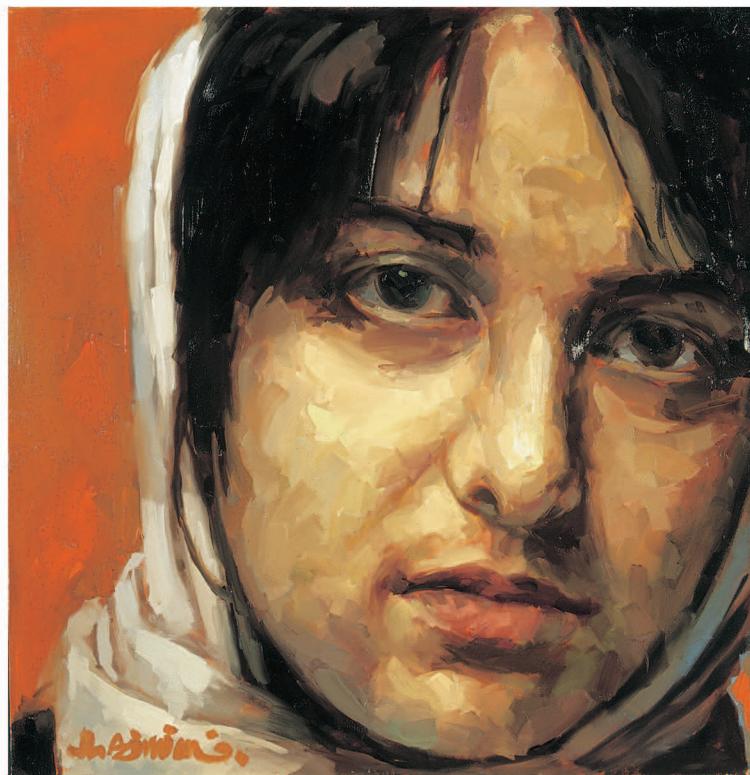
80x80 cm/Oil on Canvas



150x150 cm/Oil on Canvas



150x150 cm/Oil on Canvas



100x100 cm/Oil on Canvas



110x110 cm/Oil on Canvas



90x90 cm/Oil on Canvas



100x100 cm/Oil on Canvas



100x100 cm/Oil on Canvas